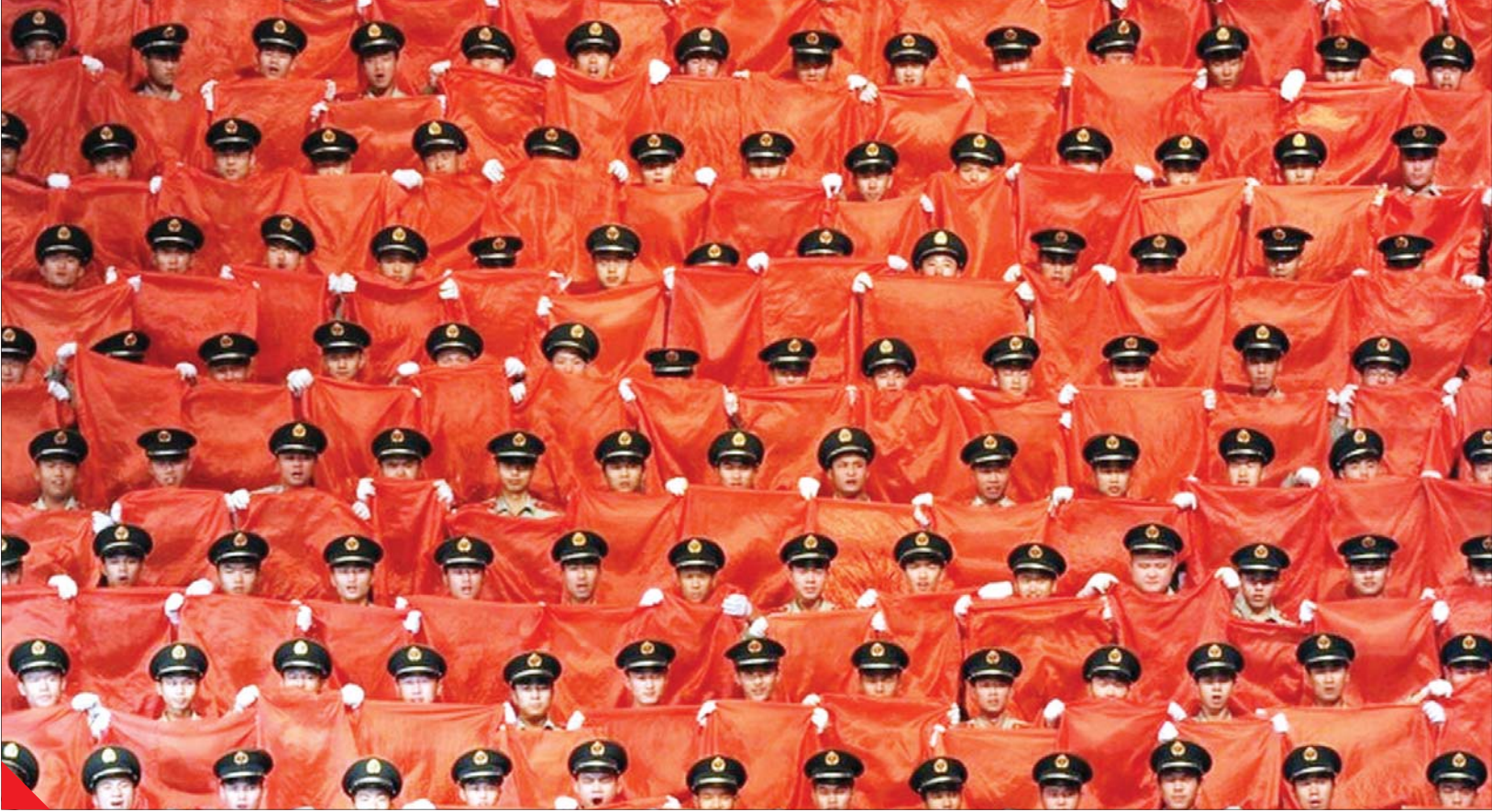




عکس:AP

آمریکا و چین؛ فروپاشی قاب‌های همکاری



بهزاد شاهنده
استاد پایه مطالعات شرق آسیا دانشگاه تهران

در مطالعات اور بین‌الملل آموخته می‌شود که در روابط بین کشورها دو پدیده نزاع و همکاری در تعامل می‌باشند و کشورها شبیه انسان‌ها دوست و دشمن دایمی ندارند و همه‌چیز برپایه منافع دایمی استوار می‌باشند. به این آموژه باید بالا و پایین‌آمدن درجه نزاع و همکاری را اضافه کرد که در صورت تشدید اختلاف می‌تواند به درگیری بینجامد.

جمهوری خلق چین بهمدت قریب به ۲۰سال از زمان تاسیس این نظام با آمریکا در نزاع به‌مسمر می‌برد و در مواقعی مثل جنگ کره و ویتنام آن کشور را به چالش کشاند ولی هیچ‌گاه شبیه امروز با آمریکا در موقعیتی حساس قرار نداشت که رقیب اول آن در جهان شود و کل گیتی و کلیه امور در تنش باشد. چین تبدیل‌شدن به قدرت امروزی را مدیون رهبری «دنگ شیا پینگ» معمار چین نو می‌باشد که اقتصاد «امپراتوری میانه» را با تعامل با جهان متحول کرد و با بهره‌گیری از همراهی با نظام موجود بین‌المللی، کشور چین را به ابرقدرت امروزی مبدل کرد و برخلاف «مانو ز دونگ» بنیانگذار جمهوری خلق، چین را ۲۷سال رهبری کرد و سیاست خود، که در مقابله با نظام حاکم بر جهان بود را استوار کرده بود-چین با تبدیل‌شدن به یک ابرقدرت - با به‌عبارتی که با قدرت خود را پنهان می‌داشتش یا بی‌میل از استفاده از آن جایگاه بود سیری کرد که با گذشت زمان، ادامه آن، منافع چین را به چالش کشیده و آن کشور را وادار ساخت که از لاک دفاعی خود بیرون آید و در جهت حفظ دستاوردهای خود، سیاست فعال‌تری را پیشه کند که عملاً آن را با مدعی مقام تک‌اب‌قدرتی جهان- آمریکا- به تقابل کشاند که در عمل نقاب‌های دو کشور در همراهی و تعامل با یکدیگر را کنار زده و نزاع جدی بین آن‌ دو را وارد مرحله جدیدی کرد که رویارویی رو به تزاید آنها را مطرح می‌کند.

حوادث اخیر دل بر تنگ‌ترشدن عرصه رقابت و فزونی منازعات می‌باشد که به چند مورد آن می‌پردازیم. آمریکا به‌طور علنی و بدون هیچ پرده‌پوشی چین را مستقیماً به جاسوسی اطلاعاتی و سایبری متهم کرده و اعلام داشته که در این خصوص به مقابله خواهد پرداخت. ایالات متحده آمریکا در اجلاس استراتژیک ماه گذشته سنگاپور، چین را به‌طور بی‌سابقه‌ای مورد انتقاد شدید قرار داد و خارج از عرف دیپلماتیک که نشانه‌ان لبریزشدن تحمل متعارف بود - چین را سرزنش کرد. جمهوری خلق چین نیز خالت روزافزون آمریکا در حوزه جغرافیایی-امنیتی خود را محکوم کرد و اعلام داشت که مقابله‌به‌مثل خواهد کرد. چین بدون هیچ پرده‌پوشی اعلام داشت که به گشت‌زنی در حوزه ۲۰۰ مایلی اعلام‌شده‌به‌وسیله آمریکا‌به‌عنوان منطقه‌اختصاصی اقتصادی آمریکا خواهد پرداخت‌(حضور در به اصطلاح حیات خلوت آمریکا). ایالات متحده مدت‌هاست که در منطقه اعلام‌شده مشابه چین تردد دارد و با اعلام برنام‌ه جدید خود تحت عنوان «محور در آسیا» درصد حضور قدرتمندانه‌تری در آن منطقه است که ناخرسندی چین را به‌ذنبال داشته و منازعات را بین دو ابرقدرت به آوج نوینی رسانده که در روابط دو کشور بی‌سابقه بوده است و بدون‌شک مخاطراتی را به همراه خواهد داشت.

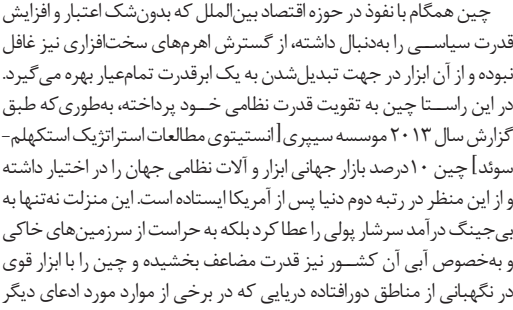
تهدید و انتقاد در ادبیات سیاسی دو کشور آنچنان رواج پیدا کرده که هر دو در تلاش هستند که در آن مرافعه، از دیگری پیشی گیرند. در این راستا آمریکا پس از گذشت ۲۵سال خواهان مفتوح نشدن پرونده «تیان‌آن‌من» شده که پرزیدنت بوش اول پس از یکسال در سال ۱۹۹۰ آن را منخومه اعلام داشت. احادته «تیان‌آن‌من» در سال ۱۹۸۹ رخ داد که طی آن تعدادی نامعلوم کشته، نابدید و گم شدند. حال دولت واشنگتن پس از این دوران طولانی خواهان جوابگویی رسمی چین است که بنا بر حساسیت یکن درخصوص آن، مساله خشم واشنگتن را در آورده است.

شفافیت منازعه آنچنان روشن است که می‌توان به موضوعات فوق مواردی را اضافه کرد که دال بر گسترش طیف منازعات داشته و عملا تنش در روابط را جدی‌تر کرده است. در تامل بر جریانات اخیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که دوران سختی در تعاملات دو کشور آمریکا و چین را رقم می‌زند.

قدرت اقتصادی و مالی چین به این کشور منزلت و جایگاهی را بخشیده که در تاریخ معاصر چین بی‌سابقه بوده و به‌عبارت‌سی دوران ذلت و خواری صدسال قبل از انقلاب چین را که این امپراتوری عظیم به‌دست استعمارگران غربی را در قهقرای ظلمت فرو برده بود را زوده و شعار بنیانگذار چین، مانو ز دونگ را که گفته بود «ما ایستاده‌ایم» را عملا به حقیقت مبدل ساخته است. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که در تاریخ معاصر جهان بیشترین ظلم به مردم چین در خلال سال‌های ۱۸۴۲ یعنی پس از تحمیل، جنگ تریاک اول تا پیروزی انقلاب ۱۹۴۹ وارد آمده. جمهوری خلق چین طبق آخرین ارزیابی‌ها توسط مراکز مطالعاتی جهان در سال ۲۰۱۶ میلادی به قدرت اول اقتصادی دنیا مبدل خواهد شد و ایالات متحده آمریکا را به مقام دومی اقتصادی وادار خواهد ساخت. چین پس از یک دوره ۴۰ساله از زمانی که -جنگ- اصلاحات اقتصادی را با اعلام «سیاست درهای باز» و گشودن درهای چین به‌سوی جهان

آغاز کرد-این کشور آنچنان تعداد زیادی از کشورهای دنیا را که دارای منابع طبیعی هستند از لحاظ اقتصادی به خود وابسته کرد که امروزه این کشورها رفاه خود را در ادامه پیوند با چین می‌دانند. به‌قولی چین موتور حرکت قاره آفریقا شده و آینده اقتصاد این قاره زرخیز در گرو تعامل با جمهوری خلق چین است. گسترش نفوذ چین به اقصی نقاط جهان از جمله آمریکای لاتین آفی‌المثل چین امروزه دومین شریک تجاری-اقتصادی مک‌ریک همسایه ایالات متحده است...[این پیوند باعث شده که چین بزرگ‌ترین ذخایر ارزی جهان را دارا باشد و عملا به بانکدار جهان و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار و وام‌دهنده دنیا مبدل شود آمریکا در مقابل مقروض‌ترین کشور جهان بوده که بیشترین سهام دولتی آن در اختیار چین است که در واقع بزرگ‌ترین اهرم اقتصادی چین در مقابل آمریکا می‌باشد... ذخایر ارزی چین بالغ بر سه‌بار برابر، دومین کشور از لحاظ ذخایر ارزی بوده و مقدار آن ۲۲برابر ذخایری است که ایالات متحده از آن برخوردار است. چین با بهره‌گیری از توان مالی و اقتصادی خود در عمل توانسته است که نظام تجاری حاکم بر جهان که بر پایه دلار آمریکا استوار است را به چالش کشانده و ترتیبات مبتنی بر «یوان» واحد پول چین را در مبادلات تجاری جهان جاری سازد و فشار مضاعف بردار آمریکا وارد نماید. بی‌چینگ آنچنان نفوذی در بنگاه‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی به دست آورده که در عمل هیچ اقدامی بدون نظر و مداخله چین امکان‌پذیر نیست.

در مباحثی که اخیرا در جراید و مقالات علمی به صراحت عنوان داشته‌ام تاکید کرده‌ام که چین مدتی است که از قالب یک «ابرقدرت می‌میل» خارج شده و با جدیت بر نقش خود به‌عنوان اقتصاد دوم جهان که در حال آماجگی برای احراز مقام اولی است[بسیار محتمل در سال ۲۰۱۶ میلادی] تاکید داشته و عملا مسوولیت‌های آن را بر عهده گرفته است. چین همگام با نفوذ در حوزه اقتصاد بین‌الملل که بدون‌شک اعتبار و افزایش قدرت سیاسی را به‌ذنبال داشته، از گسترش اهرم‌های سخت‌افزاری نیز غافل نبوده و از آن ابزار در جهت تبدیل‌شدن به یک ابرقدرت تمام‌عیار بهره می‌گیرد. در این راستا چین به تقویت قدرت نظامی خود پرداخته، به‌طوری‌که طبق گزارش سال ۲۰۱۳ موسسه سپیری[انستیتوی مطالعات استراتژیک استکهلم- سوئد] چین ۱۰درصد بازار جهانی ابزار و آلات نظامی جهان را در اختیار داشته و از این منظر در رتبه دوم دنیا پس از آمریکا ایستاده است. این منزلت نه‌تنها به بی‌چینگ درآمد سرشار پولی را عطا کرد بلکه به حراست از سرزمین‌های خاکی و به‌خصوص آبی آن کشور نیز قدرت مضاعف بخشیده و چین را با ابزار قوی در نگهبانی از مناطق دورافتاده دریایی که در برخی از موارد مورد ادعای دیگر



قدرت اقتصادی و مالی چین به این کشور منزلت و جایگاهی را بخشیده که در تاریخ معاصر چین بی‌سابقه بوده و به‌عبارتی دوران ذلت و خواری صدسال قبل از انقلاب چین را که این امپراتوری عظیم به‌دست استعمارگران غربی را در قهقرای ظلمت فرو برده بود را زوده و شعار بنیانگذار چین، مانو ز دونگ را که گفته بود «ما ایستاده‌ایم» را عملا به حقیقت مبدل ساخته است



کشورهای حوزه آسیا پاسفیک است، پرداخته و حاکمیت بر آن مناطق را اعمال می‌کند در اغلب مناطق مزبور منابع کانی عمده‌تا نفت و گاز وجود دارند که حفظ و بهره‌برداری آنها برای تداوم قدرت در «امپراتوری میانه» انامی که چینی‌ها بر کشورشان گذارده‌اند - به دورانی که چین یک امپراتوری بزرگ بود و مرکز نقل جهان به‌شمار می‌رفت - را تداعی می‌کند[حیاتی هستند.

چین دیگر کشوری که سال‌ها به حضور در آب‌های ساحلی خود بسنده می‌کرد و یک نیروی دریایی ساحلی داشت، نیست و بقای خود را در استقرار در آب‌های دوردست و مناطق دریایی مورد ادعا و تحت حاکمیت خود می‌داند. بی‌چینگ ساخت و تجهیز «نیروی دریایی نیلگون» را در اولویت قرار داده و فی‌المثل توسعه ساخت ناو هواپیمابر و زیردریایی و هواپیمای‌های بی‌سرنشین را در

راس برنامه‌های نظامی خود اعلام کرده است. بی‌چینگ در مناطق آبی مورد ادعا و حاکمیت خود در دریاهای شرق و جنوب چین از جمله سلسله جزایر اسپراتلی و پاراسل و... با کشورهای ژاپن، فیلیپین، مالزی، برونئی و ویتنام اختلاف داشته که این اختلافات به نگرانی آمریکا درخصوص استیلای چین بر آب‌راه‌های حیاتی و مناطق زرخیز منطقه دامن زده و به تدریج رقابت جدید جهانی را به شرق آسیا و حوزه پاسفیک خواهد کشانید که نشانه بارز آن «سیاست محور آسیا» است که اخیرا به‌وسیله واشنگتن اعلام شده که وقفه در عملیاتی‌شدن جدی آن، زمین‌گیرشدن آمریکا در خاورمیانه است که واشنگتن خواهان خروج یا بهتر بگویم تعدیل آن به‌عنوان منطقه اول امنیتی در سر دارد زیرا بر این اعتقاد است که تاکنون متحدان آمریکا (یعنی تمام کشورهایی که با چین اختلاف سرزمینی دارند-کشورهای اشاره‌شده در بالا به اضافه کشور هندوستان که آن‌هم اختلاف دیرینه سرزمینی با چین دارد که به‌تازگی از نو شاهد بروز آن بودیم و سرانجام کشور کره‌جنوبی) هیچ‌گاه مثل امروز مورد تهدید چینی که هرروزه قدرتش رو به تزاید است نبوده‌اند. در این راستا باید اشاره کرد که توسعه اقتصادی چین را که به گسترش قدرت همه‌جانبه سوق می‌دهد پیوند بقای نظام حاکم بر چین با ادامه روند قدرتمندانه توسعه اقتصادی این کشور است که هرگونه تعلل در آن «تیان‌آن‌من» دیگری چپ‌ساخته‌عظیم‌تر را رقم خواهد زد که نه‌تنها برای چین خطرناک بلکه جهانی که به چین هرروز وابسته‌تر می‌شود را درگرو می‌کند.

در این شرایط برنخ رهبران آمریکا و چین در مزمرعه «سانی‌لند» در صحرای ایالت کالیفرنیا آمریکا که برخی‌ها آن را «کمپ دیوید غرب» می‌نامند، به‌تدریج در حال مبدل‌شدن به یک دیدارگاه غیررسمی و به‌دور از هیاهوی واشنگتن است و با ملاقات پرداخته‌اند و درصد کاهش اختلافات و کنارآمدن با وضعیت نوین بین‌المللی هستند. در شرایطی که آمریکا به‌عنوان مقروض‌ترین کشور جهان مبدل شده و خواهان حفظ خود به‌عنوان قدرتی تثبیت‌شده در نظام بین‌الملل می‌باشد با چینی در حال ظهور و تبدیل عن‌قریب به قدرت اول اقتصادی جهان است رویه‌رو است. در «سانی‌لند»-شی چین - ره‌رحر جدید جمهوری خلق چین مصمم‌تر از هر رهبر سابق این کشور خواهان تحکیم قدرت به دست آمده و توسعه آن بوده که بدون‌شک با مقابله با آمریکا رویه‌رو خواهد بود. در حقیقت برای چین هیچ گزینه‌ای جز گسترش قدرت همه‌جانبه وجود ندارد و هرگونه تلاش «امپراتوری میانه» را دچار چالش کرده و بحران غیرقابل کنترلی را ایجاد خواهد کرد که نه‌تنها چین بلکه دنیایی که به این کشور روزبه‌روز وابسته شده را به مخاطره خواهد انداخت که تبعات گرانی را بر جهان تحمیل خواهد کرد که پرهیز از آن حیاتی است. دیگر، چین کشوری نیست که سروشت آن صرفا به چین گره خورده باشد. بی‌چینگ عملا برای بقای خود لازم و ضروری می‌داند که در حوزه‌های فرا‌تر از مرزهای خود حضور قدرتمندانه داشته باشد و این یک حق انتخاب نیست بلکه یک حقیقت است... مساله‌ای که در اینجا باید یادآور کرد این است که همیشه در تاریخ، زمانی که یک قدرت تثبیت‌شده با یک قدرت در حال ظهور مواجه شده جنگ و نزاع، نتیجه آن بوده است. نزاع آمریکا با چین در اصل نزاعی است که بین دو ابرقدرت که برخی‌ها آن را بازی حاصل جمع صفر تلقی می‌کنند که تبدیل آن به بازی غیرجمع صفر بسی دشوار است. در این رابطه بایستی فی‌المثل به این پرسش پاسخ داد که چگونه می‌توان چینی که استیلای مطلق بر مناطق مورد ادعای متحدان آمریکا در آسیا-اقیانوسیه را دارد و آن را در راستا بقا و توسعه قدرت خود می‌داند به تعامل کشانید. یک کشور یک‌نویسمیلیاردی که برای تامین انرژی این جمعیت انبوه که به‌تدریج طعم رفاه را در سایه توسعه کشور چشید می‌توان از حرکت به جلو بازداشت و بحران یا بهتر بگویم توفان به‌پا نبرد و آن‌هم با کشوری که جهان بزرگی را به‌ذنبال خود کشانده است!آ جای هیچ شکی نیست که دو کشور آمریکا و چین عدم اطمینانی که به‌درستی برخی‌ها آن را عدم اطمینان استراتژیک دانسته‌اند نسبت به دیگری دارند و در عمل به‌طور فزاینده‌ای به آن دامن می‌زنند. سیاست «محور آسیا» که -اوباما- با جدیت در راستای حفظ منافع خود در حوزه آسیا و اولویت‌دادن آن در سیاست خارجی آمریکا می‌خواهد پیگیری کند را چین در اصل مهار خود دانسته و آن‌م مقابل‌ه خواهد کرد. چین همانطور که در ابتدا گفته شد با سپری کردن ۳۵سال آمادسازری قدرت ملی در سایه اصلاحات اقتصادی که چین را به دروازه قدرت اول اقتصادی دنیا رسانیده دیگر کشوری نیست که به توصیه -جنگ شیا پینگ - معمار چین نو که گفته بود: «چین باید برای عدم برانگیختن دشمنی دیگران، چراغ و نور خود را در بن‌ها پنهان کند و منتظر لحظه مناسب باشد» آن لحظه مناسب فرا رسیده و رهبران نسل پنجم چین بر این عقیده هستند که درنگ در مطالبات خود در به رسمیت‌بخشیدن جایگاه نوین بین‌المللی کشور جایز نبوده و حتی می‌تواند منافع چین در جهان را به مخاطره اندازد چین راهی را رفته که طی یک دوران چند دهه‌ای به مرز ابرقدرتی بی‌چون‌وچرای اقتصادی رسیده که حال چاره‌ای جز حراست از آن را ندارد، حراستی که صرفا با حضور قدرتمندانه در نظام بین‌الملل و ورود به عرصه سیاسی و نظامی میسر می‌باشد. حال چگونه آمریکا با این پدیده رویه‌رو خواهد شد و چین به چه شکل به جایگاه جدید خود در جهان در تعامل با قدرت تثبیت‌شده دنیا ثبات خواهد بخشید و در ظاهر دو ابر قدرت بازی حاصل جمع صفر را تبدیل به بازی حاصل جمع غیرصفر کنند، چالش امروزه جهان به شمار می‌رود.

نگاه

«جنگ سایبری» بهانه است واشنگتن علیه رنسانس چین تانیا تجلی

«زمانی که جنگ‌های امروز را خاتمه می‌دهیم، حضور و مأموریت تیم امنیت ملی در آسیا و اقیانوس آرام اولویت ماست.» باراکاوباما سال ۲۰۱۱ در سفر ۹ روزه‌ای به آسیا و اقیانوسیه، دکترین جدید نظامی و سیاست خارجی خود را اینگونه توصیف کرد.

اعلام‌دکترین‌رییس‌جمهور آمریکا مبنی بر دکترین متعارفی بود که تمرکزش بر چین و هند به عنوان قدرت‌های در حال ظهور آسیا و اقیانوس آرام بود.

در پاسخ به چنین تغییری در استراتژی ملی بود که لنون پانتا وزیردفاع سابق آمریکا تمرکز خود را بر بودجه دفاعی آمریکا گذاشت و وعده تامین مالی عملیات نیروهای ویژه جنگ سایبری و سیستم‌های اطلاعاتی را داد. بنلیر این استراتژی حتی اگر دولت بخواند هزینه‌های دفاعی خود را کاهش دهد، هیچ کاهش بودجه‌ای در نیروهای عملیات ویژه و جنگ سایبری صورت نخواهد گرفت.

تملی این استراتژی‌ها نشان‌دهنده نوع جدیدی از جنگ از جمله جنگ سایبری است که آمریکا و متحدانش را تهدید می‌کند بدون شک چین یکی از همین تهدیدهاست.

به گزارش روتترز با توجه به گزارش سالانه کنگره که تحت‌عنوان «تحولات نظامی و امنیتی جمهوری خلق چین» در سال ۲۰۱۳ توسط پنتاگون آمده‌ شد، ارتش و دولت چین به‌عنوان موضوعی که آمریکا را از طریق حمله‌های سایبری هدف قرار داده است شناسایی شده.

این برای اولین‌بار بود که وزارت

دفاع آمریکا، چین را مسوول حملات

سایبری علیه آمریکا می‌دانت. پس

از این واقعه اختلافات آمریکا و چین

به اوج خود رسید.



آمریکا چین را عامل اصلی حملات سایبری می‌دانت و چین تمامی این اتهامات را رد می‌کرد. آمریکا در تلاش بود علیه شرکت‌های چینی فعال در زمینه فناوری‌ها، محدودیت‌هایی اعمال کند تا از ورود محصولات آنها به داخل آمریکا-که از طریق آن، جاسوسی سایبری ممکن می‌شود جلوگیری شود.

این درحالی بود که مقامات چینی می‌گفتند آمریکا عامل اصلی حملات سایبری علیه چین و کشورهای دیگر است و برخی از مغرب‌ترین و بروس‌های رایانه‌ای جهان را طراح می‌کند. درحالی که آمریکا در تلاش بود با اعمال تحریم علیه برخی کالاهای پیشرفته چینی برای مقابله با حملات سایبری چین گام‌هایی بردارد، مقامات آمریکایی-از جمله شخص اوباما در زمینه تامین امنیت سایبری با مقامات چینی رایزنی‌هایی انجام دادند. هفتم ژوئن همین سال باغ انتبرگ کالیفرنیای آمریکا میهمان ویژه‌ای داشت؛شی‌چینپینگ

رییس‌جمهور چین که پیش‌تر رییس حزب کمونیست بود با رئیس‌جمهور چین که پیش‌تر باراکاوباما دیدار کرده و او هدف اصلی این دیدار را برنام‌ریزی برای پیشرفت روابط چین و آمریکا توصیف کرد. در طرف مناسبات معمول را کنار گذاشتند و خواهان رویکرد متفاوت نسبت به روابط میانشان شدند. آنان در جست‌وجوی فصل تازه‌ای از روابط میان خود بودند به‌طوری‌که رسانه‌ها از دیدار این دو نفر با عنوان «چانه‌زنی بزرگ» نام می‌بردند.

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۷

جورج دبلیو اوباما
به این ترتیب آن‌اس‌ای می‌تواند ایمیل‌ها، ویدیوچت‌ها، چت‌های صوتی، ویدیوها، عکس‌ها، چت‌های مثل اس‌کایپ، تبادل اطلاعات، جزئیات شبکه‌های اجتماعی و بسیاری موارد دیگر را به راحتی در اختیار داشته باشد. این برنامه «اطلاعات فوق‌العاده زبادی را در اختیار آن‌اس‌ای قرار می‌دهد.» این جمله‌ای است که مأمور سابق اطلاعات درباره برنامه «پرسم» می‌گوید.

برنامه «پرسم» از کجا می‌آید؟

این برنامه مربوط به دوره جورج دبلیووش است که قرار بود جهت مقابله با عملیات تروریستی از آن استفاده شود. کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۱، شش هفته بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، با اکثریت آرا برنامه‌ای به نام «Patriot Act» را به تصویب رساند که طی آن شنود مکالمات مردم قانونی شناخته شد. این برنامه دوباره با اکثریت آرا در سال ۲۰۰۷ تمدید شد ولی این‌بار کار بدون سروصدا انجام گرفت. کنگره به همان برنامه قدیمی‌ای که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رساند این‌بار در سال ۲۰۰۷ چراغ سبز نشان داد هر چند که این‌بار چندان قوانین مشخصی برای آن وضع نکرد. در واقع این قانون به دولت اجازه می‌دهد تا همه اطلاعات شخصی را زیر نظر بگیرد و در صورتی که این اطلاعات مشکوک به برنامه‌های تروریستی باشد وارد عمل شود.

پاسخ ۹ موسسه متهم به همکاری

شرکت‌های متهم دسته‌جمعی منکر این شده‌اند که اطلاعات را به «صورت مستقیم» در اختیار آن‌اس‌ای قرار داده‌اند. با این حال موضوعی که انگشت اتهام را به سوی آنها می‌برد، این است که با چه درجه‌ای اطلاعات را در اختیار آن‌اس‌ای قرار داده‌اند. این در شرایطی است که بعضی از آنها کالا و وجود چنین برنامه‌ای اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. سخنگوی شرکت اپل، یکی از این همین آدم‌هاست: «ما هرگز چیزی درباره «پرسم» نشنیده‌ایم.» مسوولان فیس‌بوک هم سعی کرده‌اند خودشان را مبرا بدانند: «تحت هیچ شرایطی به نهادهای دولتی اجازه نداده‌ایم تا به‌صورت مستقیم به سرورهای فیس‌بوک دسترسی داشته باشند.» در این بین گوگل هم بی‌اینه‌ای منتشر کرده و در آن نوشته: «هیچ ورودی پنهانی به دولت داده نشده تا به آنها اجازه دهد به داده‌های شخصی کاربران دسترسی داشته باشند و ما با امنیت بالا از داده‌های شخصی کاربرانمان محافظت کرده‌ایم.» البته این بیانهی ادامه معناداری هم دارد: «به دولت فدرال فقط داده‌هایی را داده‌ایم که مطابق با قانون بوده و آنها را با دقت فراوان مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.»

پاسخ مسوولان آمریکایی

باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا بلافاصله گفت که برنامه شنود و بازیابی اطلاعات خارجی‌ها چراغ‌سبز کنگره را گرفته است و به آمریکایی‌ها اطمینان داد که «هیچ‌کس مکالمات تلفنی شما را گوش نکرده است.» اوباما که برای اولین‌بار بعد از فاش‌شدن این برنامه توسط رسانه‌ها صحبت می‌کرد، لازم دید از «توافقنامه‌ی» صحبت کند که طی آن شازشی میان امنیت و زندگی شخصی آدم‌ها وجود داشته باشد و اینها را در شرایطی بیان کرده که آمریکا در خطر حملات تروریستی است. کمی بعد، کاخ سفید بدون اشاره به وجودداشتن چنین برنامه‌ای اطمینان داد که این موارد «ابزاری کارآمد» برای مبارزه با تروریست است و جاسوسی از شهروندان آمریکایی و همه افرادی که در آمریکا زندگی می‌کنند را دروغ توصیف کرد. چیزی که دفتر اوباما از آن صحبت می‌کند دستیابی به «شبه داده» تلفن‌ها از قبیل شماره تلفن و مکالمه زمان مکالمه است و در این میان کاخ سفید گفته نام‌آورد ثبت نشده و مکالمه آنها نشود یا حتی ضبط هم نشده است. مایک راجرز یکی از اعضای اتاق نمایندگان در این‌باره بیشتر توضیح داد: «این سیستم باعث می‌شود عملیات تروریستی که در سال‌های اخیر آمریکا را تهدید کرده خنثی شود.» در این میان آن دسته از نمایندگان مجلس که در جریان تصویب این برنامه سری در سال ۲۰۰۷ بوده‌اند هم عنوان کرده‌اند که برنامه‌ای که نگاریدیم» دم از آن می‌زند تمدید برنامه‌های قدیمی آمریکااست و چیز جدیدی در این میان وجود ندارد. برخی دیگر از نمایندگان هم گفته‌اند که اطلاعات در سرورهای آن‌اس‌ای نگهداری می‌شود و فقط در صورت لزوم و اینکه مورد مشخصی وجود داشته باشد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. ساکسی چمپلیس، نایب رییس کمیسیون اطلاعات سنا هم در این‌باره در کنفرانس خبری گفت: «اگر شماره‌ای مطابق با شماره یکی از جریان‌های تروریستی بوده که در آمریکا وجود داشته زنگ هشدار به صدا درمی‌آید. در این صورت مسوولان اطلاعات می‌توانستند با حکم دادگاه وارد شوند و مراحل بعدی را پیگیری کنند.» سناتور دموکرات، دینی فنتستاین، رییس کمیته اطلاعات سنا هم گفت: «ممکن است در این میان به صورت تصادفی مکالمات آمریکایی‌ها هم دسته‌بندی شده باشد ولی این اتفاق ناگهانی به این معنی نیست که از قصد آمریکایی‌ها شنود شده‌اند.» البته جیمز کلایر، رییس اطلاعات آمریکا و وجود برنامه «پرسم» دفاع می‌کند و معتقد است که این برنامه کشور آمریکا را از تهدیدهای بزرگ در امان می‌دارد. در این میان دفتر اوباما هم تاکید کرده این برنامه فقط غیر آمریکایی‌ها که خارج از مرزهای آمریکا زندگی می‌کنند را هدف قرار داده است. در این بلیه‌ای آمده است: «اطلاعات جمع‌آوری‌شده توسط این برنامه جزو اطلاعات بسیار مهمی است که خارج از آمریکا به دست آمده و برای دفاع از کشورمان در مواجهه با تهدیدهای بسیار کارآمد هستند.» البته این بیانه‌ی در ادامه می‌گوید اطلاعاتی که از این برنامه به بیرون درز کرده «اشتباهات فراوانی» دارد. فراتر از این مسایل جیمز کلایر می‌گوید نشت همین اطلاعات به بیرون هم امنیت آمریکا را به خطر می‌اندازد.

واکنش سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی

واکنش نمایندگان مجلس به چنین اتفاقاتی واکنشی دوگانه بود؛ بعضی‌ها می‌گویند از وجود چنین برنامه‌ای بی‌خبر بوده‌اند. جان مک کین در این‌باره می‌گوید: «اگر این برنامه اسلام‌گرای افراطی را هدف قرار داده است، مشکلی وجود ندارد ولی اگر به‌ذنبال این است که چه‌کسی تحت چه شرایطی به چه کسی زنگ می‌زند، نیازمند حسابرسی در دادگاه است.» البته نمایندگان‌هایی هم که موافق این طرح هستند حرفشان این است که وجود چنین برنامه‌ای طرح‌های تروریستی زیادی را در این‌چنانسه خنثی کرده است. اما مجلسی‌ها بحث برای تعادل بین حفظ زندگی شخصی و امنیت را به راه انداخته‌اند. باب کروکر جمهوریخواه در این رابطه گفت: «فکر می‌کنم راهکار برای حفظ امنیت کشور دستیابی به اطلاعات آدم‌هایی است که به آنها مشکوک هستیم ولی چنین اطلاعاتی نباید جمع‌آوری شود.» با این حال ران ویدن دموکرات از این موضع کاملاً عصبانی است: «فکر می‌کنم به اطلاعات تلفنی از قبیل اینکه چه‌کسی به چه‌کسی زنگ می‌زند و چه‌چیزی می‌گوید جزو زندگی شخصی آدم‌هاست و باید به آن احترام گذاشت.» برنیس ساندرس دموکرات هم جمله کوتاهی دارد: «این برنامه غیرقابل دفاع است.» اما روزنامه «نیویورک تایمز» هم در یادداشت سردبیری‌اش می‌نویسد: «دولت‌ا از همین «لااعتبارش را به دلیل وجود چنین پروژه‌ای از دست داده است.» اما سایت هافینگتتن پست هم با ادغام تصویری از جورج دبلیووش و باراک اوباما در این‌باره نوشت: «جورج دبلیو اوباما.»